اخبار دیپلماسی

ظریف خواستار ایفای نقش فعال‌تر روسیه در دستیابی به راه‌حل جامع شد

شهروند| محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه در دیدار سرگئی ریابکوف معاون وزیر خارجه روسیه با تقدیر از نقش مسکو در روند مذاکرات، ایفای نقش فعال‌تر این کشور را عامل مهمی در تسریع حل‌وفصل نهایی موضوع و دستیابی به راه‌حل جامع ارزیابی کرد. سرگئی ریابکوف، معاون وزیر امور خارجه روسیه که به تهران سفر کرده است، صبح دیروز با وزیر امور خارجه کشورمان دیدار و گفت‌وگو کرد. ظریف در این دیدار با ارایه تحلیلی از آخرین وضع مذاکرات هسته‌ای و ضمن تقدیر از نقش روسیه در روند مذاکرات، ایفای نقش فعال‌تر این کشور را عامل مهمی در تسریع حل‌وفصل نهایی موضوع و دستیابی به راه‌حل جامع ارزیابی کرد. وزیر امور خارجه همچنین با اشاره به ظرفیت بالا و قابلیت‌های متنوع دو کشور بر ضرورت گسترش و تعمیق بیشتر روابط فیمابین در عرصه‌های مختلف تأکید کرد. افزایش مشورت‌های سیاسی و تبادل نظر پیرامون مهم‌ترین تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی از دیگر موضوعات مورد تأکید ظریف در این دیدار بود. معاون وزیر خارجه روسیه نیز در این دیدار بر نقش مسئولانه مسکو در مذاکرات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران با کشورهای ۱+۵ تأکید کرد و اظهار داشت: روابط دوستانه و نزدیک مسکو - تهران ایجاب می‌کند از ظرفیت‌های خود استفاده و به حل‌وفصل سریع‌تر موضوع هسته‌ای ایران کمک کنیم. ریابکوف همچنین بر آمادگی کامل روسیه برای همکاری‌های موثرتر منطقه‌ای و بین‌المللی با ایران تأکید کرد.

وزیر خارجه آمریکا:

ایران و آمریکا به دنبال پیشرفت در مذاکرات هستند

وزیر امور خارجه آمریکا گفت: دیدار آتی با محمدجواد ظریف همتای ایرانی‌اش برای دستیابی به پیشرفت‌های بیشتر در مذاکرات هسته‌ای است. به گزارش ایسنا، جان کری وزیر امور خارجه آمریکا روز دوشنبه در جمع خبرنگاران در هند، گفت: هدف از دیدار آتی‌اش با محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه ایران فراهم کردن زمینه مذاکرات در خصوص برنامه هسته‌ای تهران و ایجاد پیشرفت‌های بیشتر در این مذاکرات است. وزیر امور خارجه آمریکا گفت: این دیدار ابتدا با هدف ارزیابی تمام مسائل برنامه‌ریزی شده و سپس قرار است مسیر هیات‌های مذاکره‌کننده‌مان مشخص شود تا بتوانیم این پروسه را برای دستیابی به پیشرفت‌های بیشتر هموار کنیم. وی تأکید کرد که ایران و آمریکا به دنبال پیشرفت در دور جدید مذاکرات هسته‌ای هستند. براساس این گزارش، جان کری که به منظور دیدار با مقامات هند به این کشور سفر کرده است قرار است ۱۴ ژانویه (۲۴ دی) با محمدجواد ظریف در ژنو دیدار کند. دور بعدی مذاکرات هسته‌ای ایران و گروه ۱+۵ هجده ژانویه در سوییس برگزار خواهد شد.

ادامه از صفحه یک

جوانه‌های امیدبخش

اگر این روند را حداقل برای چند سال دیگر ادامه دهیم دستاورد مهمی خواهد بود. دهه ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰، از سوی سازمان ملل به نام ایمنی رانندگان در جهان نام گذاری شده، اکنون ۵سال از آن گذشته است و تا رسیدن به شاخص مطلوب ۵سال دیگر فرصت داریم. اگر تا ۵سال آینده به‌طور متوسط همین درصد کاهش را ادامه دهیم در پایان این تاریخ باید حدود ۲۵درصد دیگر از تعداد تلفات جاده‌ای ایران کاسته شود و به رقم ۱۳/۵ هزار نفر تلفات در سال برسد که رقم قابل تحملی خواهد بود.

۲- شاخص‌های دیگر

کاهش تلفات جاده‌ای در حالی رخ داده که جمعیت و جاده و خودروهای کشور در حال افزایش بوده است. لذا شاخص‌های نسبی کاهش بیشتری داشته است. برای نمونه شاخص تلفات نسبت به ۱۰۰ هزار نفر جمعیت، در سال ۱۳۸۴، حدود ۴۰/۵ بود، در سال ۱۳۹۲ به ۲۳ کاهش یافت، و در پایان سال جاری نیز به حدود ۲۱ خواهد رسید که نصف این رقم در سال ۱۳۸۴ است.

ولی کاهش مهم‌تر در نسبت تعداد تلفات به خودروست. این شاخص که معادل نسبت تعداد تلفات تصادفات به هر ۱۰ هزار خودرو است، در سال ۱۳۸۰ برابر ۳۳/۱ بود. ولی در سال ۱۳۹۲، به ۶/۷ رسیده است و در پایان سال جاری احتمالاً به حدود ۶/۲ خواهد رسید که کاهش چشمگیری است.

به‌رغم این دستاوردهای جالب‌توجه و جوانه‌های امیدبخش، ممکن است در جزییات مسأله نکات منفی دیده شود. برای نمونه در ۸ماه ابتدایی سال جاری استان البرز حدود ۲۹درصد کاهش تلفات ناشی از تصادفات را نسبت به مدت مشابه سال پیش تجربه کرده است، ولی استان سیستان‌وبلوچستان شاهد افزایش ۶درصد این تلفات بوده. این تفاوت بسیار چشمگیر شاید فقط در یک‌سال باشد، ولی مسأله مهم این است که تلفات در سیستان‌وبلوچستان به نسبت جمعیت و تردد خودرو جزو بالاترین‌ها در سطح کشور است و باید برنامه‌ریزی برای کاهش تلفات در این مناطق جدی‌تر باشد.

بوکوحرام با قتل و غارت و زنده سوزی می تازد

عکس: AP

روز سوم ژانویه اخباری از شمال‌شرق نیجریه منتشر شد که از حمله شبه‌نظامیان گروه‌تروریستی بوکوحرام به شهر «باگا» خبر می‌داد؛ شهری ساحلی در مرز کشور چاد که ده‌هاهزار سکنه‌اش از راه ماهیگیری روزگار می‌گذرانند و پیش از این نیز مورد حمله بوکوحرام قرار گرفته‌بودند. بنابر گزارش‌های اولیه شبه‌نظامیان پایگاه نظامی باگا را به تصرف خود در آوردند و صدها نفر از مردم شهر را نیز قتل‌عام کردند. خانه‌ها، فروشگاه‌ها و دیگر ساختمان‌ها به آتش کشیده شدند و اجساد متلاشی شده در خیابان‌های این شهر به چشم می‌خوردند و این در حالی بود که باقی ساکنان نیز کوشیدند به هر شکل ممکن از این مهلکه بگریزند؛ برخی با پای پیاده راهی دیگر شهرها و روستاها شدند، برخی دیگر با قایق و از راه دریاچه راهی کشور چاد در همسایگی خود شدند و برخی دیگر نیز در بوته‌ها پنهان شدند. جنایت بوکوحرام در ابتدا چندان مورد توجه جامعه بین‌المللی قرار نگرفت.

بوکوحرام در طول ۶ماه گذشته کنترل بیش از ۱۰ شهر را در شمال شرق نیجریه در دست گرفت و حملاتی را نیز علیه چاد و کامرون سازماندهی کرد و در نتیجه این حملات قلمرویی را به خود اختصاص داد که مساحت آن تقریبا با مناطق تحت کنترل داعش در سوریه برابری می‌کند و این آخرین حمله نیز یکی دیگر از اقدامات خشونت‌آمیز و مرگبار این گروه به نظر می‌رسید. اما کمی بعد گزارش‌هایی از قتل‌عام گسترده غیرنظامیان به دست بوکوحرام صورت گرفت که از قتل‌عام ۲هزار نفر در دست کم ۱۶ شهر و روستا در طول هفته گذشته خبر می‌داد. درگیری‌ها در اطراف باگا در روز جمعه نیز همچنان ادامه داشت.

دسترسی به باگا در هفته گذشته همچنان دشوار و خطرناک بود و حتی «کاشیم شتیما»، فرماندار ایالت «بورنو» که تقریبا از تمامی مناطق مورد حمله بوکوحرام بازدید کرده‌است نیز از سفر به این منطقه بازماند. شتیما حتی به «چیبوک»، محل ربوده شدن صدها دختر دانش‌آموز نیجریه‌ای در ماه‌های گذشته نیز سفر کرده بود، کاری که «گودلاک جاناتان»، رئیس‌جمهوری نیجریه نیز زحمت انجامش را به خود نداده‌بود.

«حمزه ادریس»، خبرنگار ارشد روزنامه محلی «دیلی تراست»، یکی از خبرنگارانی بود که از ایالت بورنو پوشش قتل‌عام مردم باگا را بر عهده داشت. او با شماری از ساکنان این منطقه گفت‌وگو کرد که از مشاهده صدها جسد خبر دادند، مردمانی که در لحظه مشغول زندگی بودند و در لحظه بعد بر اثر انفجار نارنجک و یا شلیک گلوله‌ای جان باخته بودند. خانواده‌های بازمانده از این جنایت نیز در جست‌وجوی یافتن پناه در آن‌سوی مرزهای نیجریه از هم پاشیده‌اند. در یکی از آخرین حملات بوکوحرام به باگا در آوریل سال ۲۰۱۳ نزدیک به ۲۰۰ نفر کشته شدند، هرچند که اکثر این تعداد پس از آن که این شهر توسط ارتش نیجریه به آتش کشیده‌شد جان خود را از دست دادند. ادریس درخصوص سرنوشت مردم این شهر می‌گوید: «آن‌ها شهر را به تصرف خود درآورده‌اند، بنابراین ما نمی‌دانیم که آیا به قتل‌عام پایان داده‌اند یا خیر.»

این درحالی است که ارتباط نیجریه و آمریکا، به‌عنوان نزدیک‌ترین متحد این کشور در مبارزه با بوکوحرام، با افزایش بی‌اعتمادی میان طرفین به خطر افتاده است. هرچند که کشورهای دیگر نمی‌توانند نقش چندانی را در این نبرد ایفا کنند. حقیقت ناگوار این است که اگر دولتی شایسته و مصمم بر نیجریه حکمرانی می‌کرد تا به امروز از بوکوحرام تنها نامی به جا مانده بود. اما امروز ساکنان این منطقه از لحظه‌ای آرامش محرومند، جایی که پیش از این شمال شرقی نیجریه به شمار می‌رفت و امروز به جای کاملا متفاوتی بدل شده است.

بوکوحرام تا پیش از این نیز عملیات‌های بسیاری را اجرا کرده بود که خونین‌ترین این شورش‌ها حمله به یک پایگاه نظامی در شهر «مایدوگوری» و آزادسازی زندانیان در ماه مارس ۲۰۱۴ بود. بنابر گزارش عفو بین‌الملل تصاویر ماهواره‌ای از این حمله از کشته شدن بیش از ۶۰۰ نفر در جریان این حمله خبر می‌دهد.

حمله اخیر نیجریه در فاصله ۵ هفته مانده به برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری این کشور صورت می‌گیرد، انتخاباتی که خود ممکن است به بهانه‌ای برای خشونت‌های بیشتر بدل شود. ۳ ایالت شمال شرق نیجریه همچنان در وضع اضطراری به سر می‌برند و در روزهای گذشته نیز خواستار اعزام نیروی کمکی شده‌اند. به گفته دولت نیجریه با وجود ناآرامی‌هایی که به معنای کاهش ناظران بین‌المللی انتخابات این کشور است، انتخابات در ایالت بورنو نیز برگزار خواهد شد، منطقه‌ای که بسیاری از مخالفان دولت را در خود جای داده‌است. خشونت‌های نیجریه به نقل مکان نزدیک به یک‌میلیون و ۵۰۰هزار نفر از مردم نیجریه انجامیده‌است که براساس قوانین انتخاباتی فعلی این کشور بسیاری از آنها نمی‌توانند رأی خود را به صندوق بیندازند. این در حالی‌است که بوکوحرام در پیام اخیر خود دولت کامرون را تهدید کرده‌است و به نظر می‌رسد این شبه‌نظامیان در نظر دارند تا دامنه خشونت‌هایشان را به دیگر کشورهای این منطقه نیز بسط دهند.

سلاح‌های ایران به صورت رسمی وارد عراق می‌شود

دبیرکل سازمان «بدر» عراق، با تمجید از نقش فعال ایران در کمک به عراق در مبارزه با تروریسم و گروهک داعش، گفت که کشورش درباره کمک احتمالی ائتلاف آمریکایی ضد داعش، به این گروهک تحقیق می‌کند. «هادی العامری» روز یکشنبه در گفت‌وگو با شبکه خبری العالم از نقش ایران در کمک به عراق در مبارزه با تروریسم و گروهک داعش تمجید و در بخشی دیگر تأکید کرد، بغداد درباره کمک‌های هوایی ائتلاف آمریکایی موسوم به ائتلاف بین‌المللی ضد داعش، به عناصر این گروهک تحقیق می‌کند و اگر مدارکی متقن به دست بیاورد، آنها را به مجامع بین‌المللی ارایه خواهد داد. العامری در برنامه «من طهران» شبکه العالم، گفت: ارتش ایران کمک‌های تسلیحاتی و مشاوره‌ای به عراق می‌کند و همه مسئولان عراقی اعتراف می‌کنند که اگر این کمک‌ها نبود اکنون خبری از عراق نبود. ما از کمک‌های ایران که تجربه بسیار بالایی در جنگ با داعش دارد قدردانی و تشکر می‌کنیم. العامری در عین‌حال حضور هرگونه نیروی نظامی ایرانی در عراق را به شدت تکذیب کرد و گفت: حضور ایران در عراق تنها محدود به مستشاران این کشور و پشتیبانی تسلیحاتی از عراق است. نماینده پارلمان عراق در این راستا خاطرنشان کرد شهدای ایران در عراق - مانند سرتیپ تقوی - مستشار بودند، نه رزمنده. دبیرکل سازمان بدر عراق درباره ادعای به پرواز درآمدن هواپیماها و جنگنده‌های ایرانی برای حمله به داعش در نزدیکی مرزهای ایران گفت: این از دروغ‌های آمریکایی‌هاست. ما نیازی به هواپیماهای ایرانی نداریم و اگر نیاز داشتیم آن را اعلام می‌کردیم. نماینده پارلمان عراق تأکید کرد: سلاح‌های ایرانی در عراق وجود دارد و وزارتخانه‌های دفاع و کشور به‌طور مستقیم از ایران سلاح خریداری می‌کنند. ایران به مردم عادی سلاح نمی‌دهد، بلکه از مسیرهای رسمی و مجاز به وزارتخانه‌های دفاع و کشور سلاح می‌دهد. وی در ادامه با خودداری از اشاره به نوع سلاح‌های ایرانی موجود در عراق گفت: می‌توانید این را از وزارت دفاع یا کشور سوال کنید.

اعضای کابینه افغانستان سرانجام معرفی شدند

محمد اشرف غنی، رئیس‌جمهوری افغانستان روز گذشته و پس از انتظاری طولانی وزرای کابینه دولت جدید این کشور را معرفی کرد. رایزنی‌ها برای اعلام کابینه جدید افغانستان که مأموریت دشواری را برای مقابله با خشونت و ناامنی و مسائل اقتصادی این کشور در پیش دارد بیش از ۳ماه به طول انجامید و این تأخیر انتقادات بسیاری را نیز متوجه دولت تازه افغانستان کرد.

کابینه ۲۵ نفری دولت افغانستان توسط رئیس دفتر اشرف غنی و در جریان مراسمی با حضور شخص رئیس‌جمهوری معرفی شد، هرچند که اشرف غنی در این مراسم سخنرانی نکرد. «عبدالسلام رحیمی»، رئیس دفتر ریاست‌جمهوری افغانستان در سخنانی در جریان این مراسم گفت: «دولت اعضای کابینه را برای رای اعتماد به مجلس معرفی خواهد کرد»، هرچند که زمان احتمالی این رأی‌گیری را اعلام نکرد.

اشرف غنی که یکی از مقامات پیشین بانک جهانی به شمار می‌رود پیش از این از اصلاحات، مقابله با فساد و تشکیل دولتی تکنوکرات و مستقل از دولت پیشین این کشور خبر داده بود.

«شیر محمد کریمی»، رئیس ستاد ارتش ملی افغانستان که یکی از افراد نزدیک به اشرف غنی به شمار می‌رود به‌عنوان نامزد وزارت دفاع معرفی شده‌است و در سوی دیگر «غلام جیلانی پوپل» که به‌عنوان نامزد وزارت دارایی این کشور معرفی شده‌است نیز شرایط مشابهی دارد.

«نورالحق علومی»، که در دوران مبارزات انتخاباتی در کنار عبدالله عبدالله بود نیز به‌عنوان گزینه وزارت کشور افغانستان معرفی شده‌است و «صلاح‌الدین ربانی»، نامزد وزارت امور خارجه نیز از همراهان عبدالله به شمار می‌رود.

در این فهرست ۲۵ نفره همچنین نام ۳ زن نیز به چشم می‌خورد.

نتانیاهو چطور خود را به راهپیمایی پاریس تحمیل کرد

رسانه‌های اسراییل گزارش داده‌اند رئیس‌جمهوری فرانسه تمایلی به حضور نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در مراسم راهپیمایی سران کشورهای دنیا علیه «تروریسم» نداشته و تلاش کرده وی را از سفر به پاریس منصرف کند. برخی گزارش‌ها حاکی است فرانسوا اولاند، رئیس‌جمهوری فرانسه تمایلی به حضور بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در راه‌پیمایی روز یکشنبه سران کشورها در پاریس برای اعلام همبستگی با قربانیان حملات روزهای گذشته در این شهر نداشته‌است.

بنا به گزارش روزنامه تایمز اسراییل، نتانیاهو بعد از آن که تصمیمش برای سفر به پاریس را اعلام کرد با این پاسخ روبه‌رو شد که پاریس دعوت‌نامه‌ای را هم برای محمود عباس، رئیس دفتر تشکیلات خودگردان فلسطین ارسال کرده است. دولت فرانسه علاوه بر این از برنامه اولاند برای ملاقات با محمود عباس در شب شنبه خبر داد. تایمز اسراییل می‌نویسد نتانیاهو سرانجام پس از حضور در این مراسم ابتدا در صف دوم حرکت می‌کرد اما سپس راهش را برای ایستادن در صف اول باز کرد. روزنامه صهیونیستی‌ها آرتص هم این خبر را از قول یک مقام اسراییلی گزارش داده است. به نوشته این روزنامه، رئیس‌جمهوری فرانسه پیامی به نتانیاهو فرستاده و از وی خواسته به پاریس نیاید. این منبع می‌گوید بعد از تصمیم دولت فرانسه برای ارسال دعوتنامه به سران کشورها ژاکوئس اودیبرت، مشاور امنیت ملی آقای اولاند با یوسی کوهن همتای اسرائیلی‌اش تماس گرفت و به وی گفت که اولاند ترجیح می‌دهد نتانیاهو در این مراسم شرکت نکند. وی همچنین گفته که یکی از نگرانی‌های فرانسه که آن را به مقامات تل‌آویو انتقال نداد این بود که نتانیاهو از این مراسم برای اهداف تبلیغاتی خود استفاده خواهد کرد و به سخنرانی درباره یهودی‌های فرانسه خواهد پرداخت.

پیش‌بینی اندیشکده «استراتفور» از تحولات سال جاری میلادی (بخش اول)

کاهش قیمت نفت، تحولات سال ۲۰۱۵ را رقم می‌زند

STRATFOR
GLOBAL INTELLIGENCE

شهروند| سال ۲۰۱۴ سالی بود که در آن جهان ناخوشایندی‌های زیادی را تجربه کرد. ماجراهای اوکراین موجب شد تا روسیه به شکلی اجتناب‌ناپذیر به رویارویی با اروپا و آمریکا بپردازد. بحران و رکود اقتصادی در اروپا به شکلی غیرقابل انکار افزایش یافت و درنتیجه آن گروه‌های سیاسی ضددولت در اروپا یکی پس از دیگری به قدرت رسیدند. مسیری که دولت چین در اجرای سیاست‌های ضدفساد مالی در پیش گرفت نشان داد که این کشور تا چه اندازه تلاش می‌کند تا در میانه کاهش رشد اقتصادی به رویارویی با مقاومت‌های سیاسی مخالفان خود بپردازد.

در آغاز سال ۲۰۱۵ میلادی، اندیشکده استراتفور طبق معمول هر سال در گزارشی مفصل به پیش‌بینی تحولات جهان در سال جاری پرداخته است. این اندیشکده آمریکا که ریاست آن را جورج فریدمن، تحلیلگر برجسته آمریکایی بر عهده دارد، اساس کار خود را بر مبنای پیش‌بینی تحولات جهان اختصاص داده است. این اندیشکده آمریکایی از اعتبار زیادی در جهان برخوردار است و بسیاری از کمپانی‌های بزرگ اقتصادی دنیا و همچنین نهادهای دولتی بسیاری از کشورهای جهان مشتری تحلیل آن هستند. از این جهت روزنامه «شهروند» از امروز در شماره‌های آتی خود به تدریج اقدام به چاپ گزارش مفصل استراتفور در خصوص تحولات سال ۲۰۱۵ میلادی خواهد کرد.

استراتفور در گزارش‌هایش همواره بر این نکته تأکید کرده بود که چین و اتحادیه، به‌عنوان دو قدرت از میان سه قدرت بزرگ جهانی در سال‌های آتی روند رکود را در پیش خواهد گرفت این در حالی است که قدرت سوم که همان ایالات متحده آمریکا باشد، همچنان با تکیه بر افزایش توانش در بخش انرژی، موقعیت خود را به‌عنوان یک قدرت هژمون حفظ خواهد کرد. در گزارش سال ۲۰۱۵ میلادی، استراتفور پیش‌بینی‌اش را بر عامل کاهش شدید قیمت نفت متمرکز کرده است. به عقیده این اندیشکده آمریکایی، کاهش قیمت نفت در سال ۲۰۱۵ میلادی بر بسیاری از تحولات جهانی تأثیر خواهد گذاشت. استراتفور بر این عقیده است که رویارویی میان اوپک و تولیدکنندگان نفت آمریکا به تدریج فروکش خواهد کرد و در آن سو کشورهای عربی نظیر عربستان سعودی، کویت و امارات متحده عربی، همچنان از اقدامی برای افزایش یافتن قیمت نفت خودداری کرده و موجب خواهند شد تا بازار نفت جهانی همچنان اشباع‌شده باقی بماند.

در نتیجه رکود در بازار جهانی انرژی، بحران اوکراین نیز به تدریج حساسیت خود را از دست خواهد داد و اوضاع تا حدودی آرام خواهد شد. مسلما روسیه بسیار بیشتر از دیگر کشورها توان تحمل بحران‌های اقتصادی را خواهد داشت اما کاهش شدید درآمدهای نفتی روسیه در کنار تحریم‌هایی که بر مسکو اعمال شده است، بیش از اندازه بر ولادیمیر پوتین فشار وارد خواهد آورد و همین مسأله موجب خواهد شد که او در کنترل و اداره رقابت‌های سیاسی در کرملین با مشکل مواجه شود. البته روسیه همچنان از اهرم انرژی علیه اوکراین استفاده خواهد کرد و این قدرت را خواهد داشت تا با استفاده از این اهرم اتحادیه اروپا را به کاهش تحریم‌ها وادار کند. ایالات متحده آمریکا اما همچنان بر اعمال فشار بر روسیه ادامه خواهد داد و در سال ۲۰۱۵ میلادی تلاش خواهد کرد تا روابط نظامی خود را با کشورهای هم‌مرز روسیه افزایش دهد. البته در این مسیر، واشنگتن در خصوص تبعات چنین رفتاری بسیار با احتیاط عمل خواهد کرد. در این میان آلمان نیز نقشی میانه‌رو در بحران ایفا خواهد کرد و تلاش خواهد کرد تا با روسیه مدارا کند و همین سیاست موجب خواهد شد تا فشار مضاعفی از سوی غرب احساس کند.

ایالات متحده آمریکا اما با توجه به بالا گرفتن تنش‌ها در منطقه اوراسیا، تلاش خواهد کرد تا توجه خود را از خاورمیانه کمتر کرده و بیشتر توجه خود را به قلب اروپا معطوف کند. البته این اقدام در عرصه عمل بسیار دشوار خواهد بود. مبارزه علیه داعش روندی کند را در پیش خواهد گرفت چرا که واشنگتن تنها به حملات هوایی بسنده خواهد کرد. از سوی دیگر، مذاکرات آمریکا و ایران بر سر مسأله هسته‌ای نیز در سال ۲۰۱۵ میلادی به نتیجه چندان محسوسی نخواهد رسید. البته طرفین همچنان روند دیپلماسی را ادامه خواهند داد. روند کاهش قیمت نفت موجب خواهد شد تا ایران به سمت اقتصاد باز حرکت کند که البته این حرکت بسیار کند خواهد بود.

اندیشکده استراتفور در ادامه مقدمه گزارش خود می‌نویسد: «ما امروز در میانه موج دومی چرخشی هستیم که در میانه سال ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ در جهان آغاز شد که عبارت است از بحران مالی جهانی که اتحادیه اروپا و چین را به رکود کشاند، انقلاب در تولید نفت شیل که به طرز محسوسی توان بخش انرژی آمریکا را افزایش داد و حمله نظامی روسیه به قفقاز که بار دیگر به دنیا یادآوری کرد که مسکو به حفظ گستره نفوذ سرزمینی خود نیاز مبرم دارد. می‌دانیم که بازار جهانی نفت اشباع شده است، چین و اروپا همچنان در روند رکود باقی خواهند ماند و روسیه همچنان تحت فشارهای شدید غرب در مقابل نفوذ غرب در حوزه نفوذش مقاومت خواهد کرد. مجموعه این تحولات، سال ۲۰۱۵ را شکل خواهد داد».

یادداشت

در پی انکار چه چیزی هستیم؟

متین مسلم
کارشناس روابط بین‌الملل

روز یکشنبه پاریس صحنه تظاهرات عظیمی در محکومیت اقدامات تروریستی ۴ شنبه تا جمعه این شهر بود. همانگونه هم که پیش‌بینی می‌شد رهبران احزاب راست و در راس آنها جبهه ملی فرانسه از حضور در این میتینگ خودداری و خانم لوپن اعلام کرد هواداران وی مراسمی جداگانه برگزار خواهند کرد. این که در اوج احساسات ملی فرانسویان و همبستگی جهانی با مردم این کشور، که حتی پای فردی منفور در نگاه پاریسی‌ها چون سارکوزی را برای همدردی به الیزه باز کرد، اما خانم لوپن ساز خود را نواخت و رودر روی اولاند ایستاد، موجبات تعجب بسیاری از ناظران سیاسی و دیپلمات‌های مقیم پاریس را فراهم آورد. خانم لوپن اولاند را متهم به سوءاستفاده از احساسات مردم و بهره‌برداری سیاسی به نفع خود از وقایع کرد. یک دیپلمات غربی مقیم پاریس در این مورد می‌گوید «حیرت کردم. آیا این یک اعتماد به نفس با پشتوانه است؟ اگر موضع گیری احزاب راست و خانم لوپن بیانگر این نکته باشد که آنان احساسات فعلی مردم را عاطفی و زودگذر می‌دانند، بی شک باید نگران بود.»

تا آن‌جا که به اقلیت‌های مقیم فرانسه مربوط می‌شود، در کنار بی کفایتی و ندانم کاری‌های الیزه (و یا هرجای دیگر اروپا) ممکن است میان خواست اقلیت‌های مقیم با دیدگاه‌های محافظه‌کاران راست گرا فاصله زیادی وجود داشته باشد که کار را در میان مدت برای اقلیت‌ها سخت‌تر و برای راست‌گرایانی چون لوپن در فرانسه، او که لند در سوئد، نیجیل فارچ در بریتانیا و یا لانگ بل در دانمارک آسان‌تر کند. چراکه هر دو طرف به خوبی می‌دانند جوامع اروپایی چه به لحاظ بافت و ساختار اجتماعی و فرهنگی و چه از جنبه اقتصادی و مسائل منتهی به آن در تحلیل نهایی با پدیده مهاجرت آن هم از زاویه ایدئولوژیک مشکل بتوانند کنار بیایند. از طرفی بعید است تضادها و ارزش‌های موجود و البته روبه رشد اقلیت‌ها، به صرف اقامت آنها در جوامع لائیک، با ارزش‌های اروپایی یکسان شده یا حل شود. اروپا حداقل طی ۵ دهه گذشته این شرایط را مکررا تجربه کرده اما نتوانسته نتیجه روشنی از عواقب آن بگیرد. در این جا بحث من صرفا از جنبه اخلاقی موضوع نیست. بلکه عمدتا توجه به واقعیتی ست که چه بخواهیم و نخواهیم، بپسندیم یا نه، در جامعه اروپایی با آن روبه‌رو هستیم و دیر یا زود این معضل اگر نه به صورت امنیتی شبیه وقایع هفته گذشته پاریس که قطعا به صورت بحران‌های اجتماعی، فرهنگی و هویتی خود را نشان خواهد داد. خصوصا که به دور از احساسات زودگذر، برنامه و اصول راهبردی خاصی برای برخورد با این مشکل نه مستقلا از سوی دولت‌های اروپایی دیده می‌شود و نه اتحادیه اروپا قادر به اتخاذ تصمیم و وضع قوانینی ست که همه اعضا روی آنها اتفاق نظر داشته باشند. این همان شرایطی ست که راست‌گرایان از آن بهره می‌گیرند و نه تنها در کشورهای خود بلکه در سطح اروپا برای اشغال کرسی‌های پارلمان اروپا آماده می‌شوند. رئیس پارلمان اروپا می‌خواهد چه کند؟ جلو آنها را بگیرد؟ محال است.

پس چه می‌توان کرد؟ یا شاید بهتر است سوال کنیم چه خواهد شد؟ سوالی که روز گذشته روی یکی از پلاکاردهای نصب‌شده میدان پابلیک پاریس نوشته‌شده بود.

باید شوربختانه اعتراف کنیم اگر قرار است سیاست‌ها شبیه آنچه باشد که تاکنون دیده شده، حتما اروپا به سمت بحران بزرگ پیش خواهد رفت. متأسفانه سیاستی واقعی، راهگشا و برگرفته از واقعیت اقلیت‌ها به جز اتخاذ ترتیبات امنیتی و نه اجتماعی، در ذهن رهبران اروپایی دیده نمی‌شود. در همین فرانسه آقای اولاند که روز گذشته همچون ناپلئون فاتح در کنار آقای کامرون و خانم مرکل و دیگر رهبران جهان، سینه خود را جلو داده بود، اما حاضر نشد به کوتاهی‌های سیاست‌های داخلی خود در بروز آنچه جامعه فرانسه را در شک فرو برد حداقل در بعد امنیتی (کوتاهی‌های اجتماعی به کنار) اعتراف کند در حالی که یکی از تروریست‌های پاریسی از حدود ۳سال پیش برای اداره امنیت ملی فرانسه فردی شناخته شده بود. یا در بعد بین‌المللی مشخص نمی‌کند و به افکار عمومی پاسخ نمی‌دهد تکلیف جامعه اروپایی و فرانسوی با متحدان عرب که حامیان معنوی و مادی این گروه‌ها هستند و شرایط را اینگونه ناامن کرده‌اند چیست؟

آنچه در پاریس رخ داد یکی از خروجی‌های سرمایه‌گذاری‌های آنها روی اسلام‌گرایان تندرویی بود که با فرمان و فتوای رهبران مذهبی خود برای جهاد به مناطق بحرانی خاورمیانه رفته و می‌روند، یا در مدارس، مراکز و خیریه‌های پنهان و آشکار در شهرهای اروپایی، برای مقابله با جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند تربیت شده و فرمان جهاد می‌گیرند. این تنها حکایت فرانسه نیست بلکه ژانر وحشتناکی است که همه اروپا مشغول تماشای آن است. تاسف‌آور است، اما اگر قرار نیست به صورت استراتژیک سیاستی تغییر کند، مسلما آینده‌ای نا امن در کنار بحران‌های اجتماعی برای راست‌گرایان فرش قرمز پهن خواهد کرد. حداقل امثال لوپن که شرایط را اینگونه می‌بینند.